

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

۱۷ اکتوبر ۲۰۱۴

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

۲

چرا عبادت فقط نماز خواندن باشد؟

قبل از همه باید گفت که عبادت صرف نماز خواندن نیست، هر چیزی که در راه الله و برای رضای الهی انجام شود، عبادت است.

کمک و دستگیری از فقراء، خدمت به جامعه و عالم بشریت هم نوعی از عبادت است. اما در هر دینی یک نوع عبادت رسمی و مشخص وجود دارد که مبین وجود کامل و یا هم هویت آن دین را بیان می کند، نماز کارت شناخت و یا تذکره هویت یک شخصی مسلمان در دین مقدس اسلام است.

عبودیت و پرستش یکی از نیازهای انسان است. انسانها از بدو پیدایش تا به امروز به شکلی از اشکال مصروفیت عبادت و پرستش داشته اند.

روح انسان نیاز به عبادت و پرستش دارد. هیچ وجود مادی جای عبادت را پر کرده نمی تواند.

زیباترین، مقبولترین و احسن ت و کاملترین شکل پرستش در دین اسلام نماز است.

دانشمندان گفته اند:

برای رسیدن به عرفان الهی و شناخت خود و خداوند متعال مراحل را باید طی شود. و بهترین راه وصول عبادت و آنهم عبادت نماز است.

در فرهنگ اسلامی تعیین کردن و مشخص نمودن شکل عبادت، با شارع مقدس است و کسی نمی تواند عبادتی اختراع کند. در امور عبادی روشن بدعت و تشریع است که کار حرامی است، زیرا امور عبادی را همان گونه که از طرف شارع مقدس بیان شده است، باید انجام داد، نه کمتر و نه بیشتر.

آنچه زیبایی و حسن و خیر است، در نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگان باز می کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقه خود از آن بهره مند می شود.

هم چنین نماز رابطه بنده با خداست و طبیعی است که بنده آن را به جا می آورد که خواسته خداوند و معبود اوست و اصولاً هدف اصلی از خلقت انسان بندگی است و نماز بهترین شیوه اظهار بندگی است و اگر قرار باشد که هر انسانی

بر طبق خواسته خود عمل نماید نه آن چیزی که خداوند از او خواسته این دیگر بندگی خداوند نمی شود بلکه بندگی خود و عمل بر طبق خواسته خود است.

همان گونه که قرآن عظیم الشان با لفظ و معنای خویش هماهنگ و اعجازی است الهی، به همین ترتیب شکل نماز هم قشنگ است، هم معارف بلند اسلامی در آن وجود دارد، هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می باشد. تکبیر، قیام و قعود، رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و سلام و خلاصه همه زیبایی ها در نماز است. با این همه اگر نماز به طور صحیح و کامل با حفظ شرایط و آداب خوانده شود، جلو بسیاری از مفاسد اجتماعی را می گیرد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» نماز اگر با مقدمات و تعقیبات همراه باشد، انسان را به اوج معنویت می رساند. آذان با آن محتوای زیبا، دل را می نوازد. نماز جماعت مخصوصاً در مساجد بزرگی مانند مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وسلم زیباترین جلوه عبادت، همدلی، یکرنگی، صفا و صمیمیت است.

آیا نماز اصل دین است؟

خواننده محترم!

ما دو اصل داریم:

اول: ارکان ایمان

دوم: ارکان اسلام

ارکان ایمان شش تا هستند: (ایمان به الله، ایمان به تمامی ملائکه خداوند، ایمان به تمامی کتابهای آسمانی، ایمان به تمامی پیامبران الهی، ایمان به روز قیامت و ایمان به قضا و قدر هم خیر آن و هم شر آن). دلیل برایمان بر این ارکان این فرموده الله تعالی می باشد: «لَيْسَ الْإِيمَانُ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» (بقره ۱۷۷).

یعنی: «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت، ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید».

و از سنت حدیث جبرئیل است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال می کند و می گوید: «أخبرني عَنْ الْإِيمَانِ قَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ قَالَ صَدَقْتَ». بخاری (۵۰)، و صحیح مسلم (۸).

یعنی: «مرا از ایمان خبر ده، ایشان فرمودند: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا، به ملائکه، به پیامبران، به روز قیامت، به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن. گفت: راست گفتی».

و ارکان اسلام هم پنج تا هستند: (شهادتین، نماز، روزه رمضان، زکات، حج). در حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ». بخاری (۸)، و صحیح مسلم (۱۶).

یعنی: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: اول شهادت، براین که خداوند، یکی است و جز او، معبود به حق وجود ندارد و محمد رسول خداست. دوم: اقامه نماز، سوم: دادن زکات، چهارم: روزه گرفتن ماه مبارک رمضان، پنجم: ادای حج».

بنابراین متوجه شدیم که نماز دومین رکن از ارکان اسلام است، پس نماز رکن اسلام و رکن دین است، و رکن یعنی پایه و اساس دین که اگر نباشد دین و اسلام فرد هم فروخواهد ریخت و ویران خواهد شد، برای همین است که رسول خدا

صلی الله علیه وسلم فرمودند: «رأس الامر الاسلام، و عموده الصلاة، و ذروة سنامه الجهاد فی سبیل الله». یعنی: «سر کارها اسلام است، و ستون آن نماز است، و بلندترین قله آن جهاد در راه خدا است».

و نماز نخستین عبادتی است که خدا واجب کرده است. (صحیح ترمذی - ۲۶۱۶).

و عبدالله بن قرط نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أول ما يحاسب عليه العبد يوم القيامة الصلاة فإن صلحت صلح سائر عمله، وإن فسدت فسد سائر عمله» «اولین چیزی که انسان در روز قیامت بر آن باز خواست خواهد شد، نماز است، اگر کار آن درست باشد، دیگر کارهایش نیز درست است و اگر کار آن تباه گردد، دیگر کارهایش نیز تباه می‌گردد». (راوی طبرانی).

و لذا مسلمانان اجماع دارند بر این که اگر کسی فرضیت نماز را انکار کند، کافر شده و از دایره اسلام خارج می‌شود. اما درباره کسی که با وجود اعتقاد به وجوب نماز، آن را ترک کند، اختلاف نظر دارند و سبب اختلاف هم احادیثی است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده و در آنها تارک الصلاة کافر نامیده شده، بدون این که بین کسی که نماز را از روی انکار ترک کرده و کسی که از روی سهل‌انگاری (نماز را) ترک کرده، تفاوت قائل شده باشد.

از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إن بین الرجل و بین الشکر و الکفر ترک الصلاة» (مسلم ۸۲). «حد فاصل میان انسان و شرک و کفر ترک نماز است». مسلم (۸۲).

از بریده روایت است از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «العهد الذی بیننا و بینهم الصلاة فمن ترکها فقد کفر» (ابن ماجه ۱۰۷۹). «مشخصه بین ما و آنها (کفار و مشرکین) نماز است، هر کس آن را ترک کند کافر می‌شود». (ابن ماجه ۱۰۷۹).

و در کتاب خدا صراحتاً ذکر شده که اگر کسی اهل نماز نباشد او جهنمی خواهد بود؛ چنان که قرآن کریم از زبان اهل جنت که با اهل جهنم سخن می‌گویند می‌فرماید: «إِلَّا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (سوره مدثر آیات ۴۱-۴۳).

یعنی: مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می‌دهند) آنها در باغهای بهشتند، و از مجرمان سؤال می‌کنند: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم».

بنابراین با استناد به این آیت نخواندن نماز موجب داخل شدن در آتش جهنم است.

مگر کسی که توبه کند و شروع به خواندن نماز کند، که در اینصورت امید است خداوند متعال توبه اش را بپذیرد و از آتش جهنم رهایی یابد و سبب نجات خویش در دارین گردد. بعد از توبه لازم نیست تا نمازهای فوت شده گذشته اش را قضاء کند، زیرا قضاء کردن نماز صحیح نیست چرا که هر نمازی وقت معین خود را دارد و اگر در وقت مشخص خود خوانده نشود، دیگر قضاء نخواهد شد مگر در دو حالت:

- ۱- کسی خواب بماند و بعد که بیدار شد متوجه می‌شود که وقت نماز تمام شده.
 - ۲- کسی که آنقدر مشغله فکری داشته که یادش نبوده وقت نماز شده تا آن که وقت آن تمام می‌شود.
- نماز را در زبان عربی (صلاة) می‌گویند، و صلاة در زبان عربی به معنای دعا آمده است، چنان که در قرآن کریم آمده: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره توبه - آیت: ۱۰۳).

یعنی: از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست. که در این آیت، کلمه: «صلاتک» یعنی «دعای تو».

کلمه «صلاة»:

کلمه «صلاة» (نماز) در زبان عربی به سه مفهوم آمده است:

اول: صلاة از ریشه (صلی) گرفته شده است و مفهوم آن (چیز کجی را حرارت و گرمی دادن) است تا راست شود، و نماز را صلاة می گویند؛ زیرا انسان به اساس مصروفیت ها و گرفتاری دنیوی، و خواهشات نفسانی مبتلا به کجی می شود، و نماز او را به عظمت پروردگار جل جلاله متوجه نموده، حرارتی را در قلبش به جای آورده و سبب استقامت انسان می گردد، «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» همانا برآستی که نماز انسان را از گناهان و بدکاری ها منع می نماید. انسان بر اثر نفس اماره دچار کجی شده است و به وسیله نماز به آن حرارت و گرمی و عظمت الله جل جلاله رسیده و کجی آن دور شود.

دوم: (صلاة) از اصل (صلت) گرفته شده است که به معنای تعلق و رابطه می باشد، و صلاة (نماز) ارتباط و علاقه انسان را با الله جل جلاله، مخلوقات، و هموعانش مستحکم می سازد. زیرا انسان بی نماز با پروردگار عالمیان قطع رابطه نموده است، و با برگشت به نماز، رابطه اش را با الله جل جلاله دوباره مستحکم می سازد.

سوم: صلاة به معانی تحیت (احترام)، دعا و سلام نیز آمده است، زیرا مؤمنان یکتا پرست، تمامی احترامات خویش را در نماز خود به پروردگار خویش تقدیم می دارند، و در نماز عرض و نیاز به دربار الهی نموده، وبا سخن گفتن به پروردگار دعای خویش را نیز برایش تقدیم می دارند.

و اما نماز در اصطلاح شریعت اسلامی:

عبارت از انجام عمل مخصوصی است که با لفظ (الله اکبر) آغاز شده و با لفظ (السلام علیکم ورحمة الله) ختم می شود، و دارای ارکان و شرایط خاصی می باشد از قبیل داشتن وضوء، قیام، رکوع، سجود، استقبال قبله، قرائت فاتحه قرآن کریم و خواندن اذکار می باشد.

تأکید همیشگی اسلام بر خواندن نماز

اهمیت نماز در بین همه دستورهایی درخشان اسلام، بدین جهت است که:

۱- نماز روح انسان ها را به مبداء هستی بخش مرتبط و متصل می کند و با این ارتباط روح و جان انسان را زنده، با نشاط و آرام می سازد و او را برای انجام سایر تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی آماده می کند از این رو می توان گفت نماز ماشین محرکه سایر اعمال و دستورات اسلامی است، زیرا آن شخصی که به نماز اهمیت بدهد، یقین داشته باشید که به سایر عبادات اهمیت بسزائی قایل بوده و با تمام اخلاصمندی آن را به جای می آورد. اما اگر مسلمانی نماز خویش را به وجه احسن انجام ندهد و به آن اهمیتی قایل نباشید، سایر اعمال عبادی اش نیز از بهره و ثمره ای برخوردار نخواهد بود.

۲- نباید فراموش کرد که خواندن نماز علاوه بر آن که انجام یک فریضه الهی است، بلکه خواندن نماز خود مانع بسیاری از اعمال بد شده و جلو بسیاری از گناهان را می گیرد.

نماز گزار واقعی از فحشاء و منکرات به دور می ماند و این خاصیت بازدارندگی نماز را «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر» را نمی توان در سایر عبادات اسلامی دریافت.

نماز، از لحاظ فهم سیاسی، مسلمانان سراسر جهان را هر روز به سمت قبله واحد و مردم هر شهر و قریه در نماز جماعت با هم متحد می سازد. این حرکت در هر روز برای مسلمانان به مسلمانان شکوه و عظمت و اقتدار خاصی می بخشد.

معنا و مفهوم نماز:

مفهوم نماز:

نماز در لغت به معنی دعا است. خداوند می فرماید: « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (سوره توبه: ۱۰۳).

(ای پیامبر از اموال آنان، زکات بگیر که باعث پاکی و تزکیه آنها می شود و برای آنان، دعا کن چرا که دعایت، آرامش برای آنان به حساب می آید و خداوند، شنوا و داناست.)

چنانچه مشاهده می کنیم کلمه «صل» به معنی «دعا کن» است.

نبی اکرم می فرماید: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجِبْ فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَصَلِّ وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيُطْعَمْ» مسلم (۱۴۳۱). معلقات بخاری قبل از حدیث شماره (۴۷۹۷).

«اگر کسی از شما (برای صرف غذا) دعوت شد، اجابت نماید. اگر روزه داشت، (برای صاحب غذا) دعای (خیر و برکت و استغفار) نماید. و اگر روزه نداشت، غذا بخورد». باید دانست که صلاة یعنی درودی که از طرف خداوند باشد، به معنی ثناء و ستایش است و درودی که از طرف فرشتگان باشد، به معنی دعا است. خداوند می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا » (سوره احزاب: ۵۶) (همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر، درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، (شما هم) بر او، درود و سلام بفرستید).

ابوالعالیه می گوید: صلاة (درود) خداوند به معنی تعریف و تمجید او، نزد فرشتگان است و درود فرشتگان به معنی دعا است. و ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: یصلون یعنی تبریک می گویند. ثریق ابن عثیمین (۲۲۸/۳) و برخی گفته اند: درود خدا یعنی همان رحمت الهی است و درود فرشتگان به معنی استغفار کردن آنان است و صحیح و درست، همان قول اول است (تفسیر ابن کثیر و شرح ممتع ابن عثیمین ۲۲۸/۳-۲۲۹).

خداوند متعال می فرماید: « أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ » (سوره بقره: ۱۵۷) (آنان) (همان بردباران با ایمانی هستند که) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می گردد و مسلماً ایشان راه یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند.

چنانچه مشاهده می کنیم رحمت، بر صلوات، عطف شده است و اقتضای عطف، مغایرت می باشد. پس صلاتی که از طرف خداوند باشد به معنی ستایش است و صلاتی که از طرف مخلوقات یعنی فرشتگان، جن و انس باشد، به معنی نماز، رکوع، سجده، دعا و تسبیح گفتن است. و صلاتی (درودی) که از طرف پرندگان و خزندگان باشد، به معنی تسبیح گفتن است. ... (لسان العرب ۴۶۵/۱۴).

و «صلاة» در اصطلاح شریعت، عبارت از: عبادتی است که به خاطر خداوند، انجام می گیرد و شامل اقوال و افعال معین و به خصوص می باشد که با تکبیر، آغاز و با سلام، به پایان می رسد و این، اقوال و افعال مخصوص، «صلاة» نامیده شده اند زیرا دعا را نیز در برمی گیرند (المغنی ۵/۳) ابن قدامه والشرح الكبير (۵/۳) و الانصاف فی معرفه الراجل من اغلاف (۵/۳) و التعريفات جرجانی (۱۷۴).

در نتیجه کلمه «صلاة» که در آغاز به هر دعائی، اطلاق می شد، از آن مفهوم، انتقال پیدا کرد و هم اکنون به خاطر مناسبتی که میان دعا و نماز وجود دارد، همان افعال و اقوال مخصوص، کلمه صلاة یعنی نماز، اطلاق می شود. پس

هرگاه، کلمه «صلاة» یعنی نماز در شریعت اطلاق شود، مفهوم آن، فقط نماز با همان افعال و اقوال مخصوص است (شرح العمدة این تیمیه (۳۰/۲ - ۳۱).

سرتاسر نماز، دعا یعنی طلب و درخواست است: زیرا طلب و درخواست یا با سؤال کردن، مطرح می شود چنانچه دعا کننده، خواهان جلب منفعتی و یا دفع ضرری می شود و طلب اینگونه نیازها از خداوند، فقط با زبان و سؤال کردن، انجام می گیرد.

یا این که طلب و درخواست با عبادت انجام می گیرد. چنان که انسان با اعمال نیک از قبیل نماز، رکوع، سجده و غیره، طلب اجر و ثواب می نماید. پس کسی که این، عبادات را انجام می دهد، در واقع با زبان حال از الله، طلب مغفرت می نماید و از سخنان فوق، روشن می شود که سرتا سر نماز، دعا و درخواست با زبان و یا طلب و درخواست به وسیله عبادت است چرا که نماز هر دو نوع را در بر می گیرد.

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرایض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج بار در شبانه روز به جا می آورند. نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرود آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام. نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است. نماز، رابطه معنوی مخلوق با خالق است. نماز یعنی دل کردن از مادیات و پرواز دادن روح؛ یعنی پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن.

ادامه دارد